

# همبستگی ملی برای جلوگیری از جنایت علیه بشریت در ایران

امیر فیض - حقوقدان

بیانیه مورخ هفدهم آبانماه سال جاری اعلیحضرت بمنظور همبستگی ملی برای جلوگیری از جنایت اعدام، مورد نقد این تحریر است.

قبل از هر چیز این اشاره بجاست که بنا بر بیان اعلیحضرت «ما ظرف سی سال گذشته به همبستگی برای مبارزه علیه جمهوری اسلامی نرسیده ایم» این تجربه تلخ چگونه برای جنایات جمهوری اسلامی علیه بشریت وتوقف اعدام ها در ایران میتواند کارساز باشد؟

**واما بعد:**

**مسیر های این تحریر**

بیانیه مورد نقد در سه مسیر، نظر التقاطی دارد:

اول- حرکت در مسیر حقوق انسانی، دوم- در مسیر فعالیت سیاسی؛ وسوم- در مسیری که به جمهوری اسلامی مربوط میشود و این تحریر هم به اتفاق به هر سه مسیر سری خواهد زد.

**مسیر اول حقوق انسانی**

بشریت از قتل وحتى آزار دیگران یک تالم طبیعی دارد ولی در گذشته ها، این تالم در مقابل قدرت انتقام و نابودی اشخاص بد، آن چنان قدرتی که این روز ها یافته خودنمانی بوده است.

در کتب دینی هر جا که صحبت از انتقام وقصاص ومجازات است، قدرت تالم نادیده گرفته نشده وتوصیه هائی برای گذشت شده است.

با اینهمه هنوز کشورهائی که در محور اعدام قرار دارند بسیارند؛ و ایران، آمریکا، روسیه، چین، عربستان، سودان، عراق و کلیه کشورهای اسلامی بغیر از ترکیه از اعدام بعنوان یک مجازات قانونی استفاده میکنند.

در تمام جوامع بشری محققین ونویسندگان بسیاری در مذمت ومحکوم ساختن اعدام فعالند، در ایران خودمان هم بسیاری در این جهت کوشا بوده وهستند یکی از کسانی که در سی سال اخیر در مورد محکومیت اعدام خیلی چیز نوشته بنی صدر است که البته در زمان ریاست جمهوری او ونیز در راستای همکاری باشورشیان بسیاری اعدام شدند وایشان وقتی که از گردونه خارج شد بفکر محکومیت اعدام افتاد.

سازمان های حقوق بشری وفدراسیون بین المللی جرائم حقوق بشری وسازمان شکنجه هم مرتبا روی مسئله حقوق بشروخاصه اعدام زندانیان فعالند وگزارش تاریخی آنان از اعدام ۵۰۰ نفر در زندان وکیل آباد

خراسان جنوبی که در لیست مفصلی نام ۱۰۰ نفر از آنها بامشخصات کامل ذکر شده؛ که همه بصورت مخفی در زندان وکیل آباد ظرف مدت سه ماه در سال ۱۳۸۹ اعدام شده اند؛ و از اسناد برجسته نقص حقوق بشرورواج اعدام در حکومت اسلامی ایران است.

بررسی های آقای دکتر مسعود انصاری زیر عنوان کتاب کشتار ۶۷ که در سال ۲۰۰۲ در خارج از کشور منتشر شده یکی از درخشانترین فعالیت های حقوق بشری و نشان دادن وسعت و حدت اعدام در جمهوری اسلامی است.

همین فدراسیون حقوق بشری صورتی انتشار داده از اعدام شدگان زندان های متعدد در شهرستانهای مختلف کشور که بسیار با دقت و مستند تهیه شده و اینها همه نشانه هائی است که بسیاری از ایرانیان و خارجیان به مسئله جلوگیری از اعدام انسان ها حساسیت دارند.

که البته کمپین اخیر اعلیحضرت هم خود قدمی در راه توقف اعدام ها خواهد بود، و امیدواریم که تلاششان مقام با اهمیت و مثبتی پیدا کند.

### جنبه حقوقی اعدام

در سال ۲۰۰۷ مجمع عمومی سازمان ملل طی قطعنامه ای خواهان توقف اعدام شد ولی همانطور که میدانید قطعنامه مزبور حالت یک توصیه را دارد و نه عهدنامه است و نه تصمیم شورای امنیت.

پروتکل الحاقی به میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی که در سال ۱۹۸۹ بتصویب کشورها رسید و بشماره ۱۲۸/۴۴ ثبت شده است نیز توصیه هائی را ابراز داشته است؛ ولی در کمال تاسف اسناد مزبور اولاً بطور قاطع اعدام را محکوم نکرده و ثانیاً آن میثاقها و الحاقیه آنها فاقد ضمانت اجراست.

از باب نمونه در ماده دوم پروتکل الحاقی آمده است:

«هیچ فردی در قلمرو قضاوت کشورهای عضو این پروتکل اعدام نخواهد شد»

این عبارت بهیچوجه کشورها را از صدور حکم اعدام ممنوع نمیسازد. و نمیگوید که اگر در قلمرو کشوری حکم اعدام صادر شد و اجرا شد چه خواهد شد.

در ماده دوم میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی آمده است:

«در کشورهائی که مجازات اعدام لغو نشده صدور حکم اعدام جایز نیست مگر در موارد لازم الاجرا در زمان ارتکاب جنایت ..... اجرای حکم جایز نیست مگر با حکم قطعی دادگاه ها»

به روشنی مشهود است که منع اعدام بصورت استخوان لای زخم پیاده شده و موارد لازم الاجرا بودن و نیاز حکم قطعی دادگاه، جواز مشروعیت اعدام است.

عبارت اینکه «در کشورهائی که مجازات اعدام لغو نشده» حکایت از این دارد که تنها وقتی صدور حکم اعدام و اجرای آن قابل توقف است که قانون موضوعه کشور، صدور حکم اعدام را ممنوع سازد یعنی در قوانین کیفری وائین دادرسی آن کشور تغییرات لازم بوجود بیاید؛ و برداشت حقوقی این میشود، مادام که

قوانین داخلی کشورها صدور حکم اعدام را از حد دادگاهها خارج نساژند میثاق های بین المللی تنها بصورت اخلاقی دارای اهمیت است.

اینکه در بیانیه اعلیحضرت آمده است <هیچ دولتی حق ندارد از مجازات های اعدام استفاده کند> یک بی احتیاطی صرف است زیرا هر جا که پای محدودیت حق به میان آید تکلیف متجاوز به حق راهم قانون مشخص کرده ولی چنانکه میدانید در منع اعدام ضمانت اجرایی وجود ندارد.

میتوان گفت که الحاقیه میثاق الغای مجازات مربوط به حقوق سیاسی ومدنی، در چارچوب اعدامهای خودسرانه حکومت یعنی اعدامهای بدون حکم قضائی شمول دارد مانند اعدامهای سال ۶۷ جمهوری اسلامی و اعدامهای زندان وکیل آباد مشهد و امثالهم.

## دوم- مسیر سیاسی در بیانیه اعلیحضرت

اگر ادعا شود که سازمان های حقوق بشری و حتی سازمان حقوق بشر سازمان ملل متحد، مستقلا عمل میکنند و از آماجهای سیاسی بدوراند، یک خوشبینی ساده گرایی است.

به عیان مشهود است، کشورهایی که اساسا کوچکترین توجهی به رعایت حقوق بشر ندارند از آماج رسیدگی ومحکومیت اخلاقی وجهانی کاملا برکنارند و برعکس کشورهایی که هدف مطامع کشورهای بزرگ قرار دارند لحظه ای از دسره های رسیدگی و اعتراضی نسبت به رعایت حقوق بشر در امان نیستند.

یادمان هست که موضوع ابو غریب و کوانتاتمو وزندانها مخفی آمریکا در کشورهای دیگر چه ساده و بی سروصدا پایان یافت، آنهم کشوری که مدعی رعایت حقوق بشر همه کشورهای جهان است.

بنابراین میتوان گفت که بیانیه منتسب باعلیحضرت هم از امواج سیاسی وجانبداری بی بهره نیست و علامت مشهود آنهم تکیه برکرد یا بلوچ بودن اعدام شدگان است؛ به دلایل اثباتی نگاه کنیم.

\* در سال ۱۳۸۵ بمناسبت وقایعی که منجر به اعدام چند نفر در بلوچستان و آذربایجان شد اعلیحضرت

بیانیه ای دادند که مشروح ان در سنگر همان زمان بشماره ۴۵۲+۳۳۲ درج شد؛ در آن بیانیه است که فرموده اند <من حاضرم برای پیروزی هربلانی راکه بسوی برادران وخواهران آذری، کرد، بلوچ وغیره رها میشود به جان من بخورد>

در تجزیه تحلیل بیانیه اعلیحضرت، سنگر نوشت: <برای توجیه آشوبهای اخیر برخی از استان های کشور که به سیاست تجزیه کردن ایران توسط خارجیان ارتباط دارد بیانیه مزبور بنام اعلیحضرت منتشر شده است.>

سنگر برای ارائه واثبات ارتباط بیانیه اعلیحضرت به آشوب های تجزیه طلبان به مراتب زیر بعنوان دلیل استناد کرد:

۱- روزنامه فاینانشیال تایمز در همان زمان نوشت <ارتش آمریکا وبخش تفنگداران دریائی آن کشور تحقیقاتی رادرباره اقوام ایرانی واختلف آنها باحکومت مرکزی ایران انجام میدهند این تحقیقات

**با افزایش نا آرامی های قومی در عراق و ایران همزمان است** < خبرگزاری بی - بی - سی هم گفت که > هدف از تحقیقات تفنگداران دریائی آمریکا بررسی نقش اختلافات قومی در تجزیه احتمالی ایران است <

۲- بنوشته روزنامه کیهان لندن آقای کریم عبدیان نماینده حزب دمکرات اهواز درواشنگتن گفته است: < در ماه اوت ۲۰۰۵ گروه (هیکس و شرگاء از مشاورین پنتاگون) از اودعوت کرده اند که دیداری با آنها داشته باشم، آنها میخواستند اطلاعات، درباره اعراب ایرانی خوزستان داشته باشند، اطلاعاتی از این قبیل که ما چقدر جمعیت ایران را تشکیل میدهم - به چه کمکهائی نیاز داریم؛ من به آنها گفتم ما در حدود ۵ تا ۶ میلیون جمعیت هستیم ولی **تمام حوزه های نفتی در حوزه اقامت ماست**؛ ما از این ثروت بهره ای نمیبیریم و خواهان خاتمه دادن به این تسلط فارسها هستیم > عبدیان اضافه کرده که تمام نمایندگان کردها و آذری ها و بلوچها توسط گروه هیکس و شرگاء مورد سوال قرار گرفته اند.

روزنامه واشنگتن پست که مقاله و گفتگوی عبدیان را به کیهان لندن منتقل کرده نوشته است:

< بنظر میرسد که شورش این اقوام از هم اکنون آغاز شده است در بلوچستان در شرق ایران دهها تن از پاسداران انقلاب اسلامی توسط بلوچها کشته شده اند و تعدادی به اسارت گرفته شده اند که گروگان ها را در تلوویزیون هم نشان داده اند، در خوزستان عربها لوله های نفتی و ساختمان هارا منفجر کرده اند و در آذربایجان اوضاع بحرانی است، آیا آمریکانیاها و انگلیسی ها بدنبال این کارها هستند؟

(مشروح در همان سنگر)

۳- **در یکم مرداد سال ۸۴ بمناسبت نا آرامی های کردستان اعلیحضرت بیانیه و مصاحبه ای با**

**آقای قائم مقامی داشتند که در آن بیانیه و مصاحبه بشدت از اقدامات کردها دفاع کرده اند،**

این جمله ها از ایشان است:

< دفاع از حقوق آنها بر فرد، فرد ما ایرانیان لازم است >، < برادران کرد ما برای رهائی همه ملت ایران مبارزه میکنند. آنها در خط مقدم جبهه هستند >

که البته نظراتشان القانی بود و در همان سنگردلانی بی اعتباری فرمایشاتشان بیان شده است.

(سنگرهای ۴۳۱ و ۴۳۲+۳۳۲)

اشارات بالا همراه موارد متعدد دیگری که برای جلوگیری از طول تحریر از ورود به ان اجتناب میشود **نشان میدهد که بیانیه های ایشان در مورد مسائل حقوق بشری و حمایت از اقلیت ها خالص نیست و**

با مسائل سیاسی و از جمله تجزیه کشور مربوط است و همچنین به تبعیض آلوده است که فاسد و ضایع کننده قصد تجسمی است. «بنی آدم اعضای یک گوهرند» گرد و خوزستانی و آذربایجانی نمیشناسد.<sup>۱</sup>

این ارتباط و آرایش سیاسی یک امر محرمانه نیست ماده ۱۱ قطعنامه که به ابتکار و حمایت ایشان پیاده شده این قبیل حمایت ها و بیانیه هارا هم لازم میسازد.

### قوانین برای سیاست زدگی و تبعیضی بودن بیانیه اعلیحضرت

این بار اولی نیست که جمهوری اسلامی افرادی را اعدام کرده که باب همبستگی ملی و یا عزای ملی مطرح شود.

\* در همان روزهای نخست پیروزی شورشیان، افراد و شخصیت های زیر بوسیله حکم خلخالی بدون هیچگونه محاکمه اعدام شدند. (بترتیب الفبا)

منوچهرآزمون - حبیب الله القاتیان - منصور باقریان - پری بلنده - سید مهدی بلیغ - فرخ رو پارسا - حسن پاکروان - نادر جهانبانی - علی حجت کاشانی - عباسعلی خلعتبری - سید جواد ذبیحی - امیرحسین ربیعی - مهدی رحیمی - منصور روحانی - عبدالله ریاضی - ابوالحسن سعادت مند - جواد سعید - جعفرقلی صدری - محمد رضا عاملی تهرانی - غلامرضا کیانپور - محمد تقی مجیدی - ایرج مطبوعی - ناصر مقدم - رضا ناجی - علی نشاط - نعمت الله نصیری - غلامرضا نیک پی - امیرعباس هویدا

آیا این فاجعه عزای ملی نبود؛ ولی اعدام چند کرد که روشن نیست به چه علت و بنا بر چه دلایلی اعدام شده اند یک فاجعه ملی محسوب است؟

\* قانون جمهوری اسلامی صریحا مجازات اعدام برای پسران ۱۵ ساله و دختران ۹ ساله را جاری میداند در حالیکه در کنوانسیون بین المللی اعدام زیر ۱۸ سال ممنوع است.

عقوبین المللی در سال ۱۹۹۰ اعلام کرد در ایران ۲۴ کودک اعدام شده اند که ۱۱ نفر آنها زیر ۱۸ سال بوده اند.

یک نهاد حقوق بشری نوشته است در سال ۱۳۸۵ اعدام کودکان ایران ۷۳ درصد کودکان در جهان را تشکیل میداده و همونوشته است که هم اکنون ۱۰۷ کودک در انتظار حکم اعدام هستند.

### **این فاجعه نیاز به همبستگی و شمع روشن کردن نداشت ولی حالا برای اعدامهای بلوچستان دارد؟**

\* در تحقیق آقای دکتر مسعود انصاری بصورت ریز با ذکر نام و نشان ۴۸۳۵ نفر از ابتدای حکومت جمهوری اسلامی تا سال ۲۰۰۲ اعدام شده اند و این عده غیر از زندانیان سال ۶۷ منتسب به مجاهدین خلق است.

۱ - در پی برخی یادآوری و انتقاد ها به ما میگویند، ایشان «شاه» همه هستند، ولی در عمل تفکیک و برتری دادن گروهی به دیگر گروه ها گفته نخست را بکلی ملغی می کند. ح-ک

آیا این یکی از بزرگترین فاجعه های بشریت نبود و نیست که بر طرفداران رژیم پادشاهی ایران بوسیله جمهوری اسلامی وارد شد و آیا نیاز به محکوم کردن و هرساله بمناسبت آن عزای ملی اعلام کردن نداشت؟

\* ایرانیها و چند بار هم شخص اعلیحضرت از فاجعه ۲۲ بهمن سال ۵۷ بعنوان روز عزای ملی یاد کرده اند، آیا عنوان عزای ملی برای ۲۲ بهمن درست است و یا اعدام چند کرد؟

### بیانیه دلنشین ولی تلخ

بیانیه اعلیحضرت بمناسبت خصلت مردمی دلنشین و گیراست ولی حقیقت آن که از پیوستگی و تبعیض آشکار حکایت دارد تلخی سنگینی است که تحمل کردنی نیست.

دست اندرکاران شورای به اصطلاح ملی! خیالی، تصور کرده اند که با ساختن و انتساب آن بیانیه به اعلیحضرت، شورای مرده به اصطلاح ملی! زنده خواهد شد ولی موضوع مصداق حرف استالین است که گفت: <شیاف درمقعد چه سود است مرده ای>

### قسمت سوم – موقعیت حقوقی اعدام در اسلام و تشیع

محققین و مفسرینی که در باب اعدام در اسلام کوشش کرده اند تا آنجا که دیده ام مستند آنها قران و بطور کلی نظریه علمای اهل تسنن بوده و به ماهیت مذهب تشیع در رابطه با اعدام و یا ممنوعیت آن توجهی نشده.

گرچه بحث حاضر یک بحث سنگینی است و نیاز به یک تحریر مفصل دیگری دارد ولی اجازه فرمائید بطور اختصار و فشرده عرض مطلب بشود و اگر ایرادی بود به تفصیل برویم.

- بنای مذهب شیعه بر مصلحت است و همانطور که بکرات استناد به قول خمینی و خامنه ای و آذری قمی شده جمهوری اسلامی حق دارد که در صورت مصلحت حتی نماز و روزه و واجبات و امر توحید را متوقف کند؛ یکی از مواردی که اجرای این حق را بدون مانع میسازد <حفظ آبروی اسلام است> که خمینی هم گفت اگر جمهوری اسلامی سیلی بخورد اسلام سیلی خورده است.

بنابراین حفظ اعتبار و آبروی اسلام که امروز در گرو اقدامات جمهوری اسلامی است این حق مصلحتی را به جمهوری اسلامی میدهد که در قوانین مربوط به اعدام تجدید نظر بکند.

این امر سوابق بسیاری هم در جمهوری اسلامی دارد از جمله:

با آنکه بموجب قانون شرع و جمهوری اسلامی پسران سن ۱۵ و دختران ۹ ساله به بالا قابل اعدام است ولی معهذرا از اجرای آرای دادگاه ها نسبت به اطفال زیر ۱۸ سال تارسیدن به سن ۱۸ سال خودداری میکند.

- خانم خدیجه آشتیانی که حکم اعدامشان صادر شده بود بعلت اعتراضات بین المللی اجرائند.

- کسانی که با داشتن تابعیت آمریکائی در ایران متهم به فعالیت جاسوسی شده بودند به خاطر مصلحت آزاد شدند و بسیاری مراتب دیگر.

- حق رای به بانوان که خلاف اسلام است و از مراتب اعتراضی شورشیان ۵۷ بود بعلت مصلحت، خمینی نتوانست آنرا مردود سازد.

- هنگامیکه در خرداد سال ۶۰ جبهه ملی در مقابل لایحه قصاص اعتراض و مقاومت کرد خمینی فتوا داد > هر که در مقابل لایحه قصاص که نص قرآن است راهپیمائی و مخالفت کند مرتد است قرآن از خداست و در قرآن هر چه هست ضروری است < ولی دیدیم که نه تنها حکم ارتداد او به اجرا در نیامد؛ بلکه همکاری خمینی و حکومت او با همان مرتدان جریان یافت زیرا خلاف آنرا مصلحت ندانست.

- قرآن ربا را بکلی حرام کرده است ولی جمهوری اسلامی به لحاظ مصلحت نه تنها در جمهوری اسلامی ربا قانونی است بلکه جمهوری اسلامی به کشورهای کفر هم بهره های بسیار سنیگنی میپردازد.

## اما در قرآن

اعدام و یا کشتن افراد در دموکراسی بتصریح قرآن آمده است یکی حق الناس و دیگری حق الله. حق الناس همان قصاص است که به ورثه مقتول حق داده شده که خواستار قصاص (از جمله کشتن و اعدام) و یا دیه (خسارت) و یا عفو بشود بنابراین اعدام در حق الناس یک امر الزامی و حکمی نیست و حالت تخییر در آن است.

مورد دوم آیه یحارِبون است که مربوط میشود به کسانی که با حکومت اسلامی مسلحانه در بیفتند و یا مردم را با سلاح تهدید و غارت کنند.

آیه مزبور هم حکم قطعی مانند حد شلاق برای شرابخوار و یا مجازات زنا محصنه نیست بلکه قرآن حاکم را مخیر ساخته به قطع دست و پا و یا تبعید و یا اعدام محارب؛ بنابراین چیزی که در اختیار حاکم و یا قاضی باشد حالت حکم قطعی در اسلام را ندارد و اگر اسلام میگوید حد (مجازات اسلامی که در قرآن ذکر شده) قابل کسر و زیادت نیست؛ این تصریح متوجه حدود ثابت است مانند حد شرب و خمر و زنا نه حدودی که انتخاب آن با حاکم و یا قاضی است.

بنابراین در جوامع اسلامی که حتی آیات صریح قرآن عملاً نادیده گرفته میشود تمسک به آیه یحارِبون و یا قصاص امری نیست که خارج ساختن آن از گردونه، مخالفت با اصول دین اسلام منظور شود؛ و اگر حکومت‌های اسلامی تلاش در حفظ مجازات اعدام دارند نه از باب رعایت حقوق اسلامی است که از باب ارباب و تهدید زیردستان حکومت است